

الگویی برای بین‌المللی‌شدن دانشگاه‌ها در حوزه علوم انسانی و اجتماعی
A Model for Internationalization of Universities in the Fields of
Humanities and Social Science

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۹/۱۲، تاریخ ارزیابی: ۱۳۹۷/۲/۲۱، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۳/۱۷

Sepideh Jafari, Dr. Hamid Rahimian,
Dr. Abbas Abbaspour, Dr. Saeed Ghiasi
Nedooshan, Dr. Ali Khorsandi Taskoh

Abstract: The present research aimed to formulate a conceptual model for internationalization of universities in the fields of humanities and social sciences. This study was a qualitative using a grounded theory approach. The study population included university experts and faculty members who published works on internationalization, managers of international offices, and chancellors of humanities and social sciences faculties in state universities in Tehran. A total of 12 participants were selected for this study through purposive sampling. The data was collected through semi-structured interviews. The methods employed to assess the validity and reliability of the data included review by members, triangulation of data, and review by co-researchers. The results revealed that internationalization of universities involves 8 main components: exchange of data among professors, students, and researchers, research and academic cooperation and interaction, education and research and international services, exchange of knowledge and theories, creation of an international culture, retention of the elite, revenue generation, and competition. Three strategies were also developed based on promotion and restrictive factors of internationalization of universities. And the final model was presented according to the mentioned factors.

Keywords: internationalization of universities, humanities and social sciences.

سپیده جعفری^۱، دکتر حمید رحیمیان^۲، دکتر عباس عباس‌پور^۳، دکتر سعید غیائی ندوشن^۴، دکتر علی خورسندی طاسکوه^۵

چکیده: هدف این پژوهش تدوین الگوی مفهومی برای بین‌المللی‌شدن دانشگاه‌ها در حوزه علوم انسانی و اجتماعی بود. این پژوهش از نوع پژوهش‌های کیفی بود که با استفاده از رویکرد مبتنی بر نظریه داده بنیاد انجام شد. جامعه آماری شامل صاحب‌نظران و اعضای هیئت‌علمی دارای آثار نوشتاری مرتبط با بین‌المللی‌شدن، مدیران دفاتر بین‌المللی و رؤسای دانشکده‌های علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران بودند که با استفاده از رویکرد نمونه‌گیری هدفمند در مجموع ۱۲ نفر به عنوان مشارکت‌کنندگان در پژوهش انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته گردآوری شد. برای به دست آوردن اعتبار و روایی داده‌ها از روش‌های بررسی توسط اعضا، مثلث سازی منابع داده‌ها و بازبینی توسط همکاران پژوهش استفاده شد. در نهایت نتایج پژوهش نشان داد که بین‌المللی‌شدن دانشگاه‌ها دارای ۸ مؤلفه اصلی است: مؤلفه تبادل استاد و دانشجو و پژوهشگر، تعامل و همکاری‌های علمی و پژوهشی، آموزش و پژوهش و خدمات بین‌المللی، تبادل دانش و نظریه، ایجاد فرهنگ بین‌المللی، جذب نخبگان، درآمدزایی و رقابت. همچنین با توجه به عوامل پیشبرنده و بازدارنده بین‌المللی‌شدن دانشگاه‌ها سه راهبرد تدوین شد و مدل نهایی بر اساس آن‌ها ارائه گردید.

کلمات کلیدی: بین‌المللی‌شدن دانشگاه، علوم انسانی و اجتماعی

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت آموزش عالی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. Jafari.s1388@gmail.com

^۲ دانشیار گروه مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول) hamrahimian@yahoo.com

^۳ دانشیار گروه مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. abbaspour1386@gmail.com

^۴ استادیار گروه مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. Ghiasi.saeed@gmail.com

^۵ استادیار گروه مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. khorsandi@gmail.com

طی دو دهه گذشته، مفهوم بین‌المللی‌شدن^۱ آموزش عالی مورد توجه قرار گرفته (برندنبرگ و دوویت،^۲ ۲۰۱۱) و در حال تبدیل‌شدن به یکی از اولویت‌های اصلی دانشگاه‌ها در سراسر جهان می‌باشد (روگا، لاپینا و مورزپ،^۳ ۲۰۱۵). برای بسیاری از دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی بین‌المللی‌شدن تبدیل به بخش جدایی‌ناپذیر در آموزش، پژوهش و خدمات شده است. همچنین، این مفهوم در تعدادی از مؤسسات جهانی در بیانیه مأموریت‌ها، سیاست‌ها، راهبردها و همچنین چهارچوب‌های سیاست ملی موسسه‌ای متجلی شده است (نایت،^۴ ۲۰۱۱). محققان، بین‌المللی‌شدن آموزش عالی را از دیدگاه‌های مختلف تعریف کرده‌اند (لی،^۵ ۲۰۱۶) که از میان آن‌ها نایت نقش بیشتری داشته است (یو،^۶ ۲۰۱۰). نایت (۲۰۰۴)، بین‌المللی‌شدن آموزش عالی در سطوح ملی، بخشی و نهادی را به عنوان «فرایند ادغام بعد بین‌المللی، بین فرهنگی و یا جهانی در اهداف، کارکردها و ارائه آموزش عالی» تعریف کرده است. بین‌المللی‌شدن آموزش عالی از یک طرف توسط پیگیری اهداف سیاسی، اجتماعی- فرهنگی، علمی- آموزشی و آرمان‌هایی مثل افزایش درک بین‌المللی، بخشیدن بعد بین‌المللی به آموزش، پژوهش، برنامه درسی و افزایش کیفیت آموزش و پژوهش هدایت می‌شود (چایلدرس،^۷ ۲۰۱۰؛ نایت، ۲۰۰۶؛ دوویت،^۸ ۲۰۰۲). از طرف دیگر، بین‌المللی‌شدن به عنوان یک اهرم مرکزی رقابت اقتصادی در اقتصاد دانش و به عنوان منبع درآمد برای مؤسسات جهانی استفاده می‌شود (وادوا،^۹ ۲۰۱۶؛ خورسندی طاسکوه، ۲۰۱۴؛ نایت، ۲۰۱۲؛ اگران-پولاک، ۲۰۱۱؛ آلتباخ،^{۱۰} نایت، ۲۰۰۷؛ دوویت، ۲۰۰۲). بین‌المللی‌شدن آموزش عالی در سال‌های اخیر تغییرات زیادی را تجربه کرده است (وادوا، ۲۰۱۶) و از مفهومی که صرفاً به جابه‌جایی دانشجویان مرتبط بود به مفهومی گسترده‌تر تبدیل شده است که دربرگیرنده برنامه‌های آکادمیک (برنامه‌های تبادل دانشجویی، آموزش زبان خارجی، برنامه درسی بین‌المللی)؛ تحقیق و مشارکت علمی (پروژه‌های تحقیق مشترک بین‌المللی، کنفرانس‌ها و همایش‌های بین‌المللی)؛ فعالیت‌های فوق‌برنامه و روابط خارجی

¹ Internationalization

² Brandenburg & de Wit

³ Roga, Iopina & Muursepp

⁴ Knight

⁵ Le

⁶ Yu

⁷ Childress

⁸ de Wit

⁹ Wadhwa

¹⁰ Altbach

می‌باشد (آلتباخ و دوویت، ۲۰۱۸؛ آلتباخ و نایت، ۲۰۰۷؛ واچرا، ۲۰۰۳؛ دوویت، ۲۰۰۲). در نتیجه، مجریان آموزش عالی نمی‌توانند ناظران منفعلی باشند که صرفاً نظاره‌گر تغییرات هستند. آن‌ها باید بتوانند شرکایی باشند که ارتباط برقرار می‌کنند، استراتژی‌های متنوعی را مطرح کرده و دنیای امروز را با دنیای فردا متوازن می‌کنند. نهادهای آموزش عالی باید دنیا را آن‌گونه که هست منعکس کنند، نه آن‌گونه که قبلاً بوده است. این امر نیازمند فرض موقعیتی در جامعه‌ی بین‌المللی است که دامنه‌ی کاملی از شراکت متنوع و پایدار را نهادینه کرده و سیاست‌هایی را دنبال کنند که تلاش‌ها و کنش‌ها به سمت اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت را تشویق می‌کند و با موفقیت، اهداف برجسته را از طریق نتایج ملموس محقق می‌سازند، این کار قطعاً ساده نیست (پورفیریو، ۲۰۱۲)؛ بنابراین دانشگاه‌های کشور می‌بایست درصدد طراحی و مدیریت انواع همکاری‌های بین‌المللی با دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در سرتاسر جهان، ارائه پتانسیل‌های علمی دانشگاه در صحنه بین‌المللی با استفاده از روش‌های گوناگون مانند برنامه‌های مدارک مشترک، مبادله دانشجو و استاد، ایجاد شعبات دانشگاه، مشارکت اعضای هیئت‌علمی و دانشجویان در اجلاس‌های بین‌المللی، اجرای پروژه‌های مشترک تحقیقاتی در سطح بین‌المللی، مبادله کارکنان اجرایی جهت بهره‌گیری از تجارب بین‌المللی، تبادل مطالب آموزشی، حمایت از برنامه‌های آموزشی و پژوهشی واحدهای تابعه و کمک در جهت دستیابی به محصولات علمی بروز در جهان از طریق همکاری‌های بین‌المللی باشند (اسماعیل نیا و حسین پور، ۱۳۹۴)، اما پژوهش‌های انجام‌شده در کشور نشان‌دهنده محدودیت‌هایی در راستای بین‌المللی‌شدن آموزش عالی می‌باشد (شیر سوار و پیراینده، ۱۳۹۰؛ فتحی‌وآجارگاه و همکاران، ۱۳۸۸). باید توجه داشت محدودیت‌های بیشتری در راستای بین‌المللی‌شدن علوم انسانی و اجتماعی نسبت به سایر علوم وجود دارد؛ زیرا علوم انسانی و اجتماعی دانش‌های وابسته به متن اجتماعی خود هستند و شرایط محل و جامعه‌ایی که این دانش‌ها در آن تولید می‌شوند در تمام ابعاد فرایند تولید، توزیع و مصرف این دانش‌ها تأثیر می‌گذارد (فاضلی، ۱۳۸۴). از این‌رو، اگر بخواهیم علوم انسانی را تنها در بسترهای ملی و محلی آن در نظر بگیریم، شاهد تحول و توسعه پایدار در اندازه‌های جهانی در این علوم نخواهیم بود. همچنین در آموزش عالی ایران، رشد دانشجویان و اعضای هیئت‌علمی در رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی بسیار چشمگیر است، دانشجویان رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی در سال تحصیلی ۹۵-۹۴، ۴۶/۱٪ درصد از کل دانشجویان و اعضای هیئت‌علمی رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی در سال تحصیلی ۹۵-۹۴، ۳۲/۳٪ درصد از کل اعضای هیئت‌علمی مؤسسات آموزش عالی کشور را تشکیل داده‌اند؛ بنابراین، این امر ضرورت بین‌المللی‌شدن دانشگاه‌ها به‌ویژه رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی را بیش‌ازپیش آشکار

¹ Wächter

² Porfirio

می‌سازد. با توجه به مطالب ارائه‌شده و همچنین با توجه به نقش کشور جمهوری اسلامی ایران در منطقه و برای موفقیت نظام آموزش عالی آن در بلندمدت می‌توان به عرضه آموزش عالی فراملی در رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی اقدام کرد، اما باینکه مسئولیت عظیمی بر عهده مؤسسات آموزش عالی ایران برای بین‌المللی‌شدن قرار دارد تا به امروز مطالعه‌ای جامع بر مؤسسات ایرانی صورت نگرفته است؛ بنابراین پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این پرسش است که الگوی مناسب برای بین‌المللی‌شدن دانشگاه‌ها در حوزه علوم انسانی و اجتماعی کدام است؟

ادبیات پژوهش

امروزه بین‌المللی‌شدن در کانون توجه متخصصان آموزش عالی قرار گرفته (استراتژی‌بازر، ۲۰۱۳؛ سالمی، ۲۰۰۹؛ اندرز، ۲۰۰۴ و کری، ۲۰۰۳) و توسط آن‌ها به شیوه‌های گوناگونی در متون علمی ذکر شده است. دوویت (۲۰۱۵) بین‌المللی‌شدن را به عنوان «فرآیند عامدانه در نظر گرفتن ابعاد بین‌المللی، بین فرهنگی یا جهانی در اهداف، کارکردها و ارائه آموزش عالی برای ارتقای کیفیت آموزش و پژوهش تمام دانشجویان و اعضای هیئت‌علمی و کمک به جامعه» تعریف کرده است. فیلدن^۵ (۲۰۰۸) نیز با تأکید بر جذب دانشجویان خارجی و پویایی اعضای هیئت‌علمی، بین‌المللی‌شدن آموزش عالی را «تحرك اعضای هیئت‌علمی و دانشجویان، اتحاد استراتژیک و برنامه‌های مشترک با نهادهای خارجی» می‌داند. بین‌المللی‌شدن آموزش عالی توسط آلتباخ (۲۰۰۲) به عنوان «تغییر ابتکارات عملی کشورها و نهادهای آموزشی برای سروکار داشتن با روند جهانی» تعریف شده است و مثال‌های بین‌المللی‌شدن را شامل سیاست‌های مربوط به جذب دانشجویان خارجی، همکاری با نهادها یا نظام‌های آموزشی در دیگر کشورها و تأسیس شعبه دانشگاه در خارج از کشور می‌داند. به عقیده اسکات^۶ (2000) بین‌المللی‌شدن آموزش عالی نتیجه اقتصاد جهانی مدرن است و گرایش بین‌المللی‌شدن در سراسر جهان توسط الزامات بازار تحریک می‌گردد. فن در وند^۷ و کالومارک^۸ (۱۹۹۷) نیز تعریفی از بین‌المللی‌شدن آموزش عالی ارائه نمودند که شامل «هر تلاش نظام‌مند باهدف پاسخگو کردن آموزش عالی نسبت به ملزومات و چالش‌های مربوط به جهانی‌شدن جوامع، اقتصاد و بازارهای کار» است. همچنین، خورسندی

¹ Streitwieser

² Salmi

³ Enders

⁴ Currie

⁵ Fielden

⁶ scott

⁷ Van der wende

⁸ Kalvemark

طاسکوه (۱۳۹۵) دو تعریف از بین‌المللی‌شدن آموزش عالی ارائه داده است. بین‌المللی‌شدن آموزش عالی در بعد نظری و با رویکردی آرمان‌گرایانه «فرایند تلفیق بعد بین‌المللی در فعالیت‌ها و برنامه‌های آموزش عالی به‌منظور تربیت نسل (دانشجویان) جدیدی از شهروندان مسئولیت‌پذیر، منتقد و جهان‌شهروند» می‌باشد اما بین‌المللی‌شدن آموزش عالی در عمل بسیار متفاوت از چیزی است که در تئوری پردازش می‌شود. سیاست بین‌المللی‌شدن در عمل «فرایند تجاری‌سازی آموزش عالی و بازاریابی تولیدات پژوهشی و رقابت برای جذب نخبگان (اعم از دانشجویان و پژوهشگران خارجی) و دانشجویان برخوردار از کشورهای درحال توسعه به‌منظور درآمدزایی و جبران کسری بودجه دانشگاه، افزایش پروفایل ملی دانشگاه و کسب اعتبار بین‌المللی برای دانشگاه و مدیریت آن» است.

درحالی‌که مشاهده افزایش توجه و کاربرد بین‌المللی‌شدن دلگرم‌کننده است، ابهامات و سردرگمی‌های بسیاری پیرامون معنای آن وجود دارد. همچنین، رابطه بین‌المللی‌شدن و جهانی‌شدن نیز مبهم است. نایت (۲۰۰۱) جهانی‌شدن آموزش عالی را به‌عنوان «جریان فن‌آوری، اقتصاد، دانش، مردم، ارزش‌ها، ایده‌ها و غیره از میان مرزها» تعریف نمود. جهانی‌شدن بر هر کشوری به شیوه متفاوتی تأثیر می‌گذارد که به دلیل تاریخچه فردی ملت، سنت‌ها، فرهنگ و اولویت‌ها است، اما بین‌المللی‌شدن آموزش عالی یکی از روش‌هایی است که یک کشور به تأثیر جهانی‌شدن پاسخ داده و درعین‌حال، به فردیت کشور احترام می‌گذارد. آلتباخ و همکاران (۲۰۰۹) بر این باورند که اگرچه جهانی‌شدن و بین‌المللی‌شدن ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند و اغلب به‌جای هم به‌کاربرده می‌شوند، اما این دو واژه در آموزش عالی به دو پدیده مجزا اشاره می‌کنند. یکی از تفاوت‌های کلیدی میان این دو مفهوم به مفهوم کنترل برمی‌گردد. جهانی‌شدن و اثرات آن فراتر از کنترل یک عامل یا مجموعه‌ای از عوامل است. باین‌حال، می‌توان به بین‌المللی‌شدن به عنوان استراتژی‌ای برای جوامع و نهادها به‌منظور پاسخگویی به بسیاری از خواسته‌هایی که به‌واسطه جهانی‌شدن بر آن‌ها تحمیل می‌شود و همین‌طور راهی برای آموزش عالی به‌منظور آماده‌سازی افراد برای تعامل در دنیای جهانی شده نگاه کرد.

هشت مدل‌سازمانی مختلف برای بین‌المللی‌شدن آموزش عالی ارائه شده است. مدل اول که توسط نیو^۱ (۱۹۹۲) ارائه شده، نوعی مدل پارادایمی (الگوواره) را برای خدمات و اداره همکاری‌های بین‌المللی ارائه می‌نماید. مدل دوم که توسط رادسکی (۱۹۹۳) ارائه شده، از رویکرد برنامه‌ریزی بیشتری نسبت به استراتژی برخوردار است و تلاش می‌کند تا به ارائه چارچوبی برای ارزیابی سطح فعالیت بین‌المللی در مؤسسات بپردازد. تأکید مدل دیویز^۲ (۱۹۹۲) بیشتر بر

1- Neave

2- Davies

استراتژی‌های سازمانی به‌عنوان یک نقطه شروع است. مدل چهارم که توسط ون دایک و مایجر^۱ (ون دایک، ۱۹۹۵) ارائه شده است، تلاشی است برای اصلاح مدل دیویز. مدل پنجم توسط فون در وند^۲ (۱۹۹۷) ارائه شده که برگرفته از مدل طراحی‌شده توسط وی و بر اساس رویکرد روند بین‌المللی برای NUFFIC می‌باشد. مدل ششم توسط نایت (۱۹۹۴) ارائه شده که مبتنی بر رویکرد فرایندی و تأکید بر روند بین‌المللی شدن به‌عنوان یک دور مداوم است. در مدل هفتم منینگ (۲۰۰۳) از مدل چرخه بین‌المللی شدن نایت (۱۹۹۴) الگو می‌گیرد، اما مراحل چرخه را با افزودن دو عنصر بسط می‌دهد: یکی ساختار سازمانی و دیگری بازخورد. آخرین مدل رامبلی^۳ (۲۰۰۷) می‌باشد که چرخه دلتا را ارائه کرد. همچنین پژوهش‌های مختلفی در ارتباط با بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها انجام شده است و هر یک از صاحب‌نظران و پژوهشگران به عناصر و مؤلفه‌های کم‌وبیش متفاوتی اشاره کرده‌اند. جدول ۱، مقوله‌های اصلی و زیر مقوله‌های بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها که در پژوهش‌های مختلف مورد مطالعه قرار گرفته است را نشان می‌دهد.

جدول ۱. مقوله‌های اصلی بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها در پژوهش‌های پیشین

مقوله‌ها	زیر مقوله‌ها	صاحب‌نظران
فعالیت‌های بین‌المللی شدن	تبادل استاد- دانشجو	آلتباخ و دوویت (۲۰۱۸)؛ خالد (۲۰۱۷)؛ پوپسکو و مارجون ^۴ (۲۰۱۷)، پورفیرو (۲۰۱۲)؛ نایت (۲۰۰۵، ۲۰۱۲)، کوهن (۲۰۱۰)؛ موریس (۲۰۰۹)؛ فیلدن (۲۰۰۸)؛ آلتباخ و نایت (۲۰۰۷)؛ ترمبلی (۲۰۰۵)؛ تیچلر (۲۰۰۴)؛ واچر (۲۰۰۳)؛ جیانگ (۲۰۰۳)؛ آلتباخ (۲۰۰۲)؛ دوویت (۲۰۰۲)؛ رادسکی (۲۰۰۰)؛ فون در وند (۱۹۹۶)؛ خورسندی (۱۳۹۵)؛ شرقی (۱۳۸۳)؛ ذاکر صالحی و نجف آبادی (۱۳۹۰)
	همکاری‌های علمی و پژوهشی	
	آموزش و پژوهش و خدمات بین‌المللی	
	درآمدزایی	
	جذب نخبگان	
	آگاهی بخشی	
	رقابت	
	عوامل مؤثر بر بین‌المللی شدن	عوامل فرهنگی- اجتماعی
عوامل سیاسی		

1- Van Dijk and Meijer

2- Von der Vende

3 Rumbly

4 Popescu & Marjon

5 Hunter

<p>(۲۰۰۷)؛ جیانگ (۲۰۰۳)؛ آلتباخ (۲۰۰۲)؛ دوویت (۲۰۰۲)؛ گرین (۲۰۰۳)؛ اسکات (۲۰۰۰)؛ کلن (۲۰۰۰)؛ نایت و دوویت (۱۹۹۹)؛ فون در وند و کارلومارک (۱۹۹۷)؛ فون در وند (۱۹۹۶)؛ دوویت (۱۹۹۵)؛ خورسندی (۱۳۹۵)؛ خراسانی و زمانی منش (۱۳۹۱)؛ فتیحی واجارگاه و همکاران (۱۳۸۸)؛</p>	<p>عوامل اقتصادی</p> <p>عوامل علمی-آموزشی</p> <p>عوامل سازمانی</p>	
<p>ویلکینز^۱ و رامبلی (۲۰۱۸)؛ پوپسکو و مارجون (۲۰۱۷)؛ بیلن و جونز (۲۰۱۵)؛ بوردین و بورزا (۲۰۱۳)؛ بروور و لیسک (۲۰۱۲)؛ بیلن و لیسک (۲۰۱۱)؛ برندنبرگ و دوویت (۲۰۱۰)؛ لیسک (۲۰۰۹)؛ استرومکوئیست (۲۰۰۷)؛ وب (۲۰۰۵)؛ گرین و اولسون (۲۰۰۳)؛ نیلسون (۲۰۰۳)؛ جیانگ (۲۰۰۳)؛ واچر (۲۰۰۳)؛ آلتباخ (۲۰۰۲)؛ OECD (۱۹۹۶)؛ خورسندی (۱۳۹۵)؛ ذاکر صالحی و نجف آبادی (۱۳۹۰).</p>	<p>بین‌المللی‌شدن در داخل</p> <p>بین‌المللی‌شدن برنامه درسی</p> <p>بین‌المللی‌شدن در خارج</p>	<p>راهبردهای بین‌المللی‌شدن</p>
<p>دوویت و همکاران (۲۰۱۵)؛ جیین و اسدخان (۲۰۱۵)؛ اگرون و پولاک (۲۰۱۱)؛ چایلدرس (۲۰۱۰)؛ موریس (۲۰۰۹)؛ آلتباخ و نایت (۲۰۰۷)؛ نایت (۲۰۰۴، ۲۰۰۵، ۲۰۰۶)؛ ترمبلی (۲۰۰۵)؛ جیانگ (۲۰۰۳)؛ دوویت (۲۰۰۲)؛ فون در وند (۱۹۹۶)؛</p>	<p>افزایش اعتبار دانشگاه و برند سازی</p> <p>افزایش صلح و تفاهم</p> <p>افزایش امنیت ملی</p> <p>دیپلماسی و سیاست خارجی</p> <p>رشد اقتصادی و افزایش توان رقابت‌پذیری</p> <p>گسترش آگاهی و فهم میان فرهنگی</p> <p>بهبود کیفیت آموزش و پژوهش و خدمات</p> <p>توسعه شهروندی</p>	<p>پیامدهای بین‌المللی‌شدن</p>

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کیفی بود و برای گردآوری اطلاعات از روش نظریه زمینه‌ای (داده بنیاد)، مصاحبه‌های اکتشافی نیمه‌ساختمند، استفاده شد. در ضمن برای

¹ Wilkins

بررسی‌های تکمیلی متون علمی، کتب، مجلات، پایان‌نامه‌ها، تجارب ملی و بین‌المللی مورد توجه قرار گرفت. در مصاحبه‌های اکتشافی نیمه‌ساختمند، قبل از تشکیل جلسه شاخص‌های شناسایی‌شده در بخش مرور ادبیات، سؤالات مصاحبه و اهداف پژوهش در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت تا آمادگی لازم را برای انجام مصاحبه داشته باشند و سپس با هماهنگی‌های لازم، مصاحبه‌ها انجام پذیرفت. جامعه آماری پژوهش شامل گروه‌های خبرگان علمی به شرح ذیل بوده است:

۱. صاحب‌نظران و اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها که دارای آثار نوشتاری مرتبط، تجربه تدریس در دانشگاه‌های بین‌المللی و یا تجربه تدریس دوره‌های آموزشی مرتبط با بین‌المللی‌شدن بودند.

۲. مدیران دفاتر بین‌المللی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران

۳. رؤسای دانشکده‌های علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران

از آنجایی که خبرگان و صاحب‌نظران حوزه آموزش عالی در زمینه بین‌المللی‌شدن به راحتی قابل شناسایی نبودند، از اینرو از روش نمونه‌گیری هدفمند زنجیره‌ای استفاده شد. این روش مستلزم مشورت با افراد مطلع است تا آنها موارد مناسب تحقیق را معرفی نمایند. در جریان این امر، با تعداد زیادی از افراد مطلع و همچنین موارد معرفی‌شده روبه‌رو شدیم و برخی از موارد معرفی‌شده را در نمونه گنجانیدیم. نمونه‌گیری از صاحب‌نظران در این پژوهش تا زمانی ادامه پیدا کرد که فرایند اکتشاف و تجزیه و تحلیل به نقطه اشباع نظری رسید. منظور از اشباع حالتی است که در آن به‌طور ذهنی به این نتیجه رسیدیم که داده‌های جدید اطلاعات جدید نسبت به تدوین مقوله‌ها به دست نمی‌دهند. جهت اطمینان از روایی پژوهش، محقق از روش‌های بررسی توسط اعضا، مثلث‌سازی منابع داده‌ها و بازبینی توسط همکاران برای تعیین روایی پژوهش خود استفاده کرده است و برای بررسی پایایی مصاحبه‌ها، از روش پایایی بازآزمون^۱ و روش پایایی توافق بین دو کدگذار^۲ استفاده شده است.

یافته‌ها

در این بخش مصاحبه انجام گرفته پیاده‌سازی شده و طی جداول مربوط به هر سؤال مفاهیم و کدهای اصلی شناسایی شده است. یافته‌های این بخش به ترتیب سؤالات مصاحبه و یافته‌های مربوط به هریک از آنها ارائه شده است. در این بخش، داده‌های کیفی حاصل از

¹ Chain Sampling

² Theoretical Saturation

³ Re-Test Reliability

⁴ Inter-Coder Reliability

مصاحبه‌ها با استفاده از روش تحلیل تم، تحلیل شده است. در نتیجه، با استفاده از فرایند کدگذاری، طبقه‌بندی و شناسایی و نام‌گذاری مقوله‌ها، مؤلفه‌ها و شاخص‌های الگو شناسایی شده و در نهایت مدل مفهومی پژوهش نیز تدوین شده است. برای تعیین کفایت فراوانی لازم جهت انتخاب مقوله اصلی پژوهشگر حداقل فراوانی را ۴ در نظر گرفته است استدلال بر این است که برای انتخاب هر مقوله کفایت لازم فراوانی ۴ یا حداقل یک سوم از مصاحبه شونده‌گان باشند که به ذکر آن مقوله در مصاحبه‌ها پرداخته باشند. این حد تعیین شده نشان‌دهنده انتخاب یا عدم انتخاب مقوله استخراج شده برای درج در مدل بوده است. در ادامه تحلیل‌های کیفی به تفکیک سوالات مصاحبه انجام گرفته است.

سؤال اول مصاحبه: بین‌المللی‌شدن دانشگاه‌ها از دیدگاه شما به چه معناست؟ و دارای چه مؤلفه‌هایی در حوزه علوم انسانی و اجتماعی است؟

این سؤال از ۱۲ خبره پرسیده شده و پاسخ‌های آن‌ها در جدول ۲ درج شده است. گزاره‌های کلامی متعددی در این مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته استخراج شده و در ستون مفاهیم (کدهای) شناسایی شده درج شده است. در جدول ۲ مقوله‌ها و کدهای شناسایی شده قابل ملاحظه می‌باشد.

جدول ۲. مقوله‌های اصلی شناسایی در رابطه با فعالیت‌های بین‌المللی دانشگاه‌ها در حوزه علوم انسانی و اجتماعی

مقوله‌ها	کدها (مفاهیم شناسایی شده)	فعالیت‌های بین‌المللی دانشگاه‌ها
تبادل استاد، دانشجو و پژوهشگر	تبادل استاد با دانشگاه‌های دیگر	
	تبادل دانشجو با دانشگاه‌های دیگر	
	تبادل پژوهشگر با دانشگاه‌های دیگر	
تعامل و همکاری‌های علمی و پژوهشی	انجام پژوهش‌های علمی مشترک	
	برگزاری و شرکت در اجلاس‌های علمی بین‌المللی	
	تعامل دانشجوی ایرانی با دانشجوی خارجی	
آموزش و پژوهش و خدمات بین‌المللی	تعامل استاد ایرانی با استاد خارجی	
	محتواهای علمی در سطح استانداردهای بین‌المللی	

تربیت نیروی کار بین‌المللی		
فضا و زیرساخت‌های دانشگاه در سطح استانداردهای بین‌المللی		
انتقال نظریات و دیدگاه‌ها از دانشگاه‌های خارج به داخل کشور	تبادل دانش و نظریه	
شناخت بهتر دانش بومی و عرضه آن به جهان		
آگاهی بخشی در زمینه بین‌المللی شدن	ایجاد فرهنگ بین‌المللی	
بین فرهنگی شدن دانشگاه		
جذب دانشجوی خارجی نخبه	جذب نخبگان	
تجاری‌سازی آموزش و پژوهش		
بازاریابی علمی و پژوهشی	درآمدزایی	
در نظر گرفتن آموزش عالی به عنوان یک صنعت		
رقابت با دانشگاه‌های برتر جهان	رقابت	

همان‌طور که یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد می‌توان گفت که تبادل استاد و دانشجو و پژوهشگر، تعامل و همکاری‌های علمی و پژوهشی، آموزش و پژوهش و خدمات بین‌المللی، تبادل دانش و نظریه، ایجاد فرهنگ بین‌المللی، جذب نخبگان، درآمدزایی و رقابت مهم‌ترین مؤلفه‌های شناسایی شده برای فعالیت‌های بین‌المللی دانشگاه‌ها در حوزه علوم انسانی و اجتماعی می‌باشد.

سؤال دوم مصاحبه: به نظر شما چه عواملی پیشبرنده بین‌المللی شدن دانشگاه‌های دولتی ایران در حوزه علوم انسانی و اجتماعی می‌باشد؟

این سؤال به شیوه نیمه ساختاریافته از صاحب‌نظران پرسیده شده و طی فرایند مصاحبه، صاحب‌نظران به طیف وسیعی از مفاهیم اشاره کردند. در جدول ۳ اهم گزاره‌های کلامی موجود در پاسخ هریک از صاحب‌نظران به این سؤال دیده می‌شود.

جدول ۳. مقوله‌های اصلی شناسایی در رابطه با عوامل پیشبرنده بین‌المللی‌شدن دانشگاه در حوزه علوم انسانی و اجتماعی

مقوله‌ها	کدها (مفاهیم شناسایی‌شده)
سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی	درک ارزش بین‌المللی‌شدن در دانشگاه‌ها
	پذیرش تنوع فرهنگی
	سیاست‌گذاری شفاف در زمینه بین‌المللی‌شدن
	در نظر گرفتن جایگاه ویژه‌ای برای بین‌المللی‌شدن علوم انسانی و اجتماعی
	برنامه‌ریزی برای انجام کارهای مشترک بین دانشگاه‌ها
برقراری ارتباط	تفاهم‌نامه‌ها
	تعامل دیپلماتیک با دنیا
تأمین بودجه و امکانات	تأمین بودجه برای بین‌المللی‌شدن
	پذیرایی و خوابگاه مناسب برای دانشجوی خارجی
	سهولت در فراهم کردن ویزا
	چندزبانه بودن سایت دانشگاه
توانمندسازی نیروی انسانی	فرصت مطالعاتی اساتید
	آشنایی اعضای هیئت‌علمی با علم روز
	تسلط مدرسین به زبان انگلیسی
	تربیت کارکنان از لحاظ آشنایی با زبان و نحوه برخورد با دانشجوی خارجی
آزادی و استقلال دانشگاهی	آزادی عمل دانشگاه
	داشتن استقلال دانشگاهی

عوامل پیشبرنده بین‌المللی‌شدن

همان‌طور که یافته‌های جدول ۳ نشان می‌دهد می‌توان گفت که سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، برقراری ارتباط، تأمین بودجه و امکانات، توانمندسازی نیروی انسانی و آزادی و استقلال دانشگاهی مهم‌ترین مؤلفه‌های شناسایی شده برای عوامل پیشبرنده بین‌المللی‌شدن دانشگاه‌ها در حوزه علوم انسانی و اجتماعی می‌باشد.

سؤال سوم مصاحبه: به نظر شما چه عواملی بازدارنده بین‌المللی‌شدن دانشگاه‌های دولتی ایران در حوزه علوم انسانی و اجتماعی می‌باشد؟

این سؤال به شیوه نیمه ساختاریافته از صاحب‌نظران پرسیده شده و طی فرایند مصاحبه، صاحب‌نظران به طیف وسیعی از مؤلفه‌ها اشاره کردند. در جدول ۴ اهم گزاره‌های کلامی موجود در پاسخ هریک از صاحب‌نظران به این سؤال دیده می‌شود.

جدول ۴. مقوله‌های اصلی شناسایی در رابطه با عوامل بازدارنده بین‌المللی شدن دانشگاه در حوزه علوم انسانی و اجتماعی

مقوله‌ها	کدها (مفاهیم شناسایی شده)	عوامل بازدارنده بین‌المللی شدن
سیاسی	تحریم‌های بین‌المللی	
	موفق نبودن در ایجاد نگرش خوب به آکادمیک دیپلماسی	
	نگاه کردن به افراد خارجی به عنوان تهدید تا فرصت	
اقتصادی	کسری شدید بودجه	
	عدم یکپارچگی منابع	
	عدم تسلط بر زبان گفت‌وگوی بین‌المللی	
علمی - آموزشی	نداشتن ایده برای عرضه در سطح بین‌المللی	
	عدم توانمندی اساتید و دانشجویان	
	تطابق نداشتن دروس با استانداردهای بین‌المللی	
سازمانی	متوقف بودن ارتباط دانشگاه‌های ایران با دانشگاه‌های معتبر دنیا	
	قوانین بالادستی در زمینه بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها تسهیل‌کننده نیست	
	دانشگاه‌ها آزادی و استقلال چندانی در زمینه بین‌المللی	

شدن ندارند		
اساتید پشتیبانی لازم برای فرصت مطالعاتی ندارند		
فراینده اداری بسیار پیچیده از لحاظ ویزا گرفتن		
موانع ساختاری مانند ساختارهای رفاهی، اینترنت، خوابگاه‌های مجهز، وسایل نقلیه.		

همان‌طور که یافته‌های جدول ۴ نشان می‌دهد می‌توان گفت که مهم‌ترین مؤلفه‌های شناسایی شده برای عوامل بازدارنده بین‌المللی‌شدن دانشگاه‌ها در حوزه علوم انسانی و اجتماعی عبارتند از عوامل سیاسی، اقتصادی، علمی-آموزشی و سازمانی.

سؤال چهارم مصاحبه: راهبردهای بین‌المللی‌شدن دانشگاه‌های دولتی ایران در حوزه علوم انسانی و اجتماعی کدامند؟

این سؤال به شیوه نیمه ساختاریافته از صاحب‌نظران پرسیده شده و طی فرایند مصاحبه، صاحب‌نظران به طیف وسیعی از مؤلفه‌ها اشاره کردند. در جدول ۵ اهم گزاره‌های کلامی موجود در پاسخ هریک از صاحب‌نظران به این سؤال دیده می‌شود.

جدول ۵. مقوله‌های اصلی شناسایی در رابطه با راهبردهای بین‌المللی‌شدن دانشگاه در حوزه علوم انسانی و اجتماعی

مقوله‌ها	کدها (مفاهیم شناسایی شده)	راهبردهای بین‌المللی‌شدن
بین‌المللی‌شدن در خانه	ادغام ابعاد بین‌المللی، بین فرهنگی و یا تطبیقی با دوره‌های تحصیلی موجود	
	شکل‌گیری فضای بین فرهنگی در دانشگاه	
	استفاده از اساتید و دانشجویان بین‌المللی	
	ادغام پژوهشگران و دانشجویان مهمان در فعالیت‌های علمی و پژوهشی دانشگاه	
	طرح‌های پژوهشی مشترک، سمینارها و اجلاس‌های مشترک	
برنامه درسی بین‌المللی	محتوای درسی بین‌المللی	

ادغام بعد بین فرهنگی در برنامه درسی	بین‌المللی شدن در خارج
فرصت‌های مطالعاتی دانشجویان	
برنامه درسی به زبان بین‌المللی	
معرفی بسیاری از نظریه‌ها که خواستگانشان ایران است	
تأسیس شعبه‌های دانشگاهی	
عرضه برنامه‌های آموزشی مجازی بین‌المللی	

همان‌طور که یافته‌های جدول ۵ نشان می‌دهد می‌توان گفت که مهم‌ترین مؤلفه‌های شناسایی شده برای راهبردهای بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها در حوزه علوم انسانی و اجتماعی عبارتند از بین‌المللی شدن در خانه، بین‌المللی شدن برنامه درسی و بین‌المللی شدن در خارج. سؤال پنجم مصاحبه: پیامدها و نتایج بین‌المللی شدن دانشگاه‌های ایران در حوزه علوم انسانی و اجتماعی کدامند؟

این سؤال به شیوه نیمه ساختاریافته از صاحب‌نظران پرسیده شده و طی فرایند مصاحبه، صاحب‌نظران به طیف وسیعی از مؤلفه‌ها اشاره کردند. در جدول ۶ اهم گزاره‌های کلامی موجود در پاسخ هر یک از صاحب‌نظران به این سؤال دیده می‌شود.

جدول ۶. مقوله‌های اصلی شناسایی در رابطه با پیامدهای بین‌المللی شدن دانشگاه در

حوزه علوم انسانی و اجتماعی

مقوله‌ها	کدها (مفاهیم شناسایی شده)
معرفی تمدن و دانش ایرانی	معرفی جامعه ایرانی و دیدگاه‌های دانشمندان
	معرفی فرهنگ ایرانی به عنوان فرهنگ غنی به جهان
افزایش صلح و تفاهم	دستیابی به تفاهم بین‌المللی
افزایش امنیت ملی	افزایش امنیت ملی
آکادمیک دیپلماسی	بهبتر شدن روابط دیپلماتیک با دنیا
	آکادمیک دیپلماسی
افزایش اعتبار دانشگاه و برند سازی	افزایش اعتبار دانشگاه و برند سازی
	بهبود رده دانشگاه در اعتبار سنجی
رشد اقتصادی و افزایش توان رقابت‌پذیری	درآمدزایی و رشد اقتصادی
	افزایش توان رقابت دانشگاه با دانشگاه‌های خوب دنیا
افزایش تنوع و کیفیت آموزش،	ارتقاء کیفیت آموزش و پژوهش

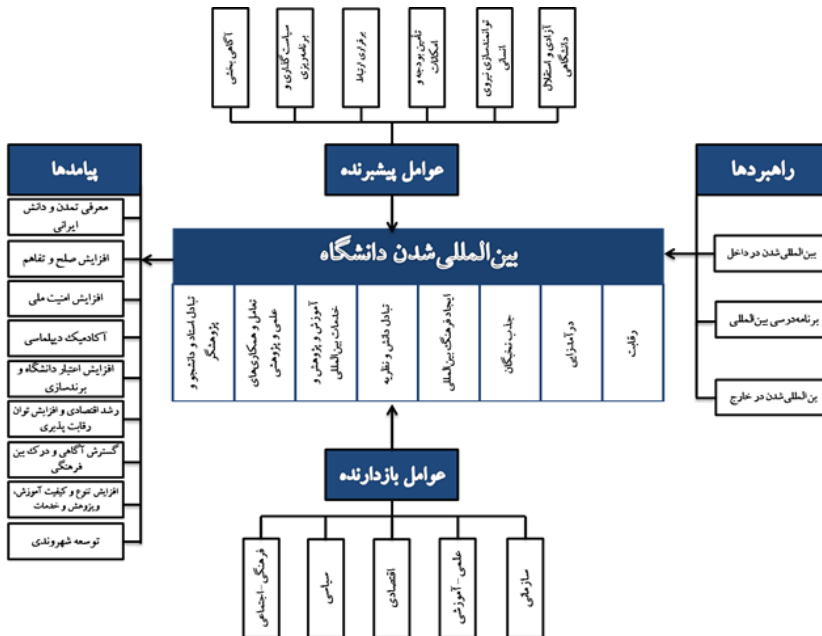
پیامدهای بین‌المللی شدن

و پژوهش و خدمات	تنوع در دوره‌های آموزشی و مدارک تحصیلی
توسعه شهروندی	توسعه شهروندی
	تربیت نیرو برای بازار جهانی

همان‌طور که یافته‌های جدول ۶ نشان می‌دهد می‌توان گفت که مهم‌ترین مؤلفه‌های شناسایی شده برای پیامدهای بین‌المللی‌شدن دانشگاه‌ها در حوزه علوم انسانی و اجتماعی عبارتند از: معرفی تمدن و دانش ایرانی، افزایش صلاح و تقاضا، افزایش امنیت ملی، آکادمیک دیپلماسی، افزایش اعتبار دانشگاه و برند سازی، رشد اقتصادی و افزایش توان رقابت‌پذیری، افزایش تنوع و کیفیت آموزش، و پژوهش و خدمات و توسعه شهروندی.

الگوی مناسب بین‌المللی‌شدن دانشگاه‌های دولتی ایران در حوزه علوم انسانی و اجتماعی کدام است؟

در پاسخ به سؤال مذکور، پس از مطالعه مبانی نظری موجود و مصاحبه با افراد صاحب‌نظر در زمینه بین‌المللی‌شدن دانشگاه‌ها مقوله‌های اصلی و فرعی مربوط به پدیده بین‌المللی‌شدن دانشگاه‌ها احصا و مدل مفهومی نهایی به صورت شکل زیر تدوین شد.



نتیجه‌گیری

داده‌های پژوهش در خصوص فعالیت‌های بین‌المللی دانشگاه‌ها، عوامل مؤثر بر بین‌المللی‌شدن دانشگاه‌ها، راهبردهای مربوط به بین‌المللی‌شدن دانشگاه‌ها و پیامدهای بین‌المللی‌شدن دانشگاه‌ها در این بخش بررسی و تحلیل شده است. همچنین، نتایج به دست آمده برای بین‌المللی‌شدن دانشگاه‌های دولتی تهران در حوزه علوم انسانی و اجتماعی با نتایج مطالعات انجام شده در این زمینه نیز مقایسه شده است.

الف) فعالیت‌های بین‌المللی دانشگاه‌ها: بین‌المللی‌شدن در دهه‌های اخیر به یکی از اولویت‌های دانشگاه‌ها تبدیل شده و از مفهومی که صرفاً به جابه‌جایی دانشجویان مرتبط بود به مفهومی گسترده‌تر تبدیل شده است که دربرگیرنده برنامه‌های دانشگاهی (برنامه‌های تبادل دانشجویی، آموزش زبان خارجی، برنامه درسی بین‌المللی)؛ تحقیق و مشارکت علمی (پروژه‌های تحقیق مشترک بین‌المللی، اجلاس‌ها و همایش‌های بین‌المللی)؛ فعالیت‌های فوق‌برنامه و روابط خارجی می‌باشد (آلتباخ و دوویت، ۲۰۱۸؛ آلتباخ و نایت، ۲۰۰۷؛ واچر، ۲۰۰۳؛ دوویت، ۲۰۰۲). نتایج تحقیقات برخی از پژوهشگران نیز نشان می‌دهد که دانشگاه‌ها فعالیت‌هایی همچون تبادل استاد و دانشجویی، همکاری‌های علمی و پژوهشی، آموزش و پژوهش و خدمات بین‌المللی، درآمدزایی، جذب نخبگان، آگاهی بخشی و رقابت در راستای بین‌المللی‌شدن انجام می‌دهند (آلتباخ و دوویت، ۲۰۱۸؛ خالد، ۲۰۱۷؛ پوپسکو و مارجون، ۲۰۱۷؛ پورفیرو، ۲۰۱۲؛ نایت، ۲۰۱۲؛ کوهن، ۲۰۱۰؛ موریس، ۲۰۰۹؛ فیلدن، ۲۰۰۸؛ آلتباخ و نایت، ۲۰۰۷؛ ترمبلی، ۲۰۰۵؛ تیچلر، ۲۰۰۴؛ واچر، ۲۰۰۳؛ جیانگ، ۲۰۰۳؛ آلتباخ، ۲۰۰۲؛ دوویت، ۲۰۰۲؛ رادسکی، ۲۰۰۰؛ فون در وند، ۱۹۹۶؛ خورسندی، ۱۳۹۵؛ شرقی، ۱۳۸۳؛ ذاکر صالحی و نجف آبادی، ۱۳۹۰). همان‌طور که در مدل ترسیمی نیز مشاهده می‌شود، بین‌المللی‌شدن دانشگاه‌ها با توجه به ادبیات و مصاحبه با صاحب‌نظران پژوهش شامل ۸ مؤلفه می‌باشد: مؤلفه تبادل استاد و دانشجویی و پژوهشگر، تعامل و همکاری‌های علمی و پژوهشی، آموزش و پژوهش و خدمات بین‌المللی، تبادل دانش و نظریه، ایجاد فرهنگ بین‌المللی، جذب نخبگان، درآمدزایی و رقابت.

ب) عوامل مؤثر بر بین‌المللی‌شدن دانشگاه‌ها: از لحاظ سنتی، توجیهی که محرک بین‌المللی‌شدن است در چهار گروه ارائه می‌شود: اجتماعی و فرهنگی، سیاسی، آموزشی و اقتصادی (دوویت و هانتز، ۲۰۱۵؛ چایلدز، ۲۰۱۰؛ کلن، ۲۰۰۰؛ نایت و دوویت، ۱۹۹۹، ۱۹۹۷؛

Callan¹

فون‌دروند، ۱۹۹۶ و دوویت، ۱۹۹۵). همان‌طور که در مدل ترسیمی نیز مشاهده می‌شود، عوامل مؤثر بر بین‌المللی‌شدن دانشگاه‌ها شامل دو دسته عوامل پیشبرنده (آگاهی بخشی، سیاست‌گذاری، برقراری ارتباط، تأمین بودجه و امکانات، توانمندسازی نیروی انسانی و آزادی و استقلال دانشگاهی) و عوامل بازدارنده (عوامل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی- اجتماعی، علمی- آموزشی و سازمانی) می‌باشد. روشن است که عوامل مختلفی بر بین‌المللی‌شدن آموزش عالی مؤثر است و ممکن است در کشورها و مناطق مختلف، اهمیت متفاوتی داشته باشند و نقش آن‌ها کم‌رنگ‌تر یا پررنگ‌تر شود (دوویت، ۲۰۰۲). از مواردی که در تحلیل مصاحبه‌ها به آن اشاره فراوانی شده است، شکل نگرفتن فرهنگ بین‌المللی شدن، نداشتن نگرش خوب نسبت به بین‌المللی‌شدن دانشگاه‌ها و عدم اطلاع و آگاهی در زمینه بین‌المللی شدن به عنوان موانع بین‌المللی‌شدن دانشگاه‌ها بوده است.

ج) راهبردهای بین‌المللی‌شدن دانشگاه‌ها: در مطالعه حاضر سه راهبرد برای بین‌المللی‌شدن دانشگاه‌ها پیشنهاد می‌شود، ۱) بین‌المللی‌شدن در خانه: بین‌المللی‌شدن پردیس دانشگاه اولین بار در دهه‌ی ۱۹۹۰ در سوئد برای رسیدگی به صلاحیت بیش از ۹۰ درصد دانش‌آموزانی که خارج از کشور درس نخوانده بودند، معرفی شد (نیلسون، ۲۰۰۳). بیلن و جونز^۲ (۲۰۱۵) تعریف جدیدی را از بین‌المللی‌شدن در خانه ارائه نمودند: « ادغام هدفمند ابعاد بین‌المللی و بین فرهنگی در برنامه‌ی آموزشی رسمی و غیررسمی برای کلیه‌ی دانشجویان در داخل محیط‌های آموزشی بومی می‌باشد». در مطالعه حاضر این راهبرد از طریق کدهایی چون فرهنگ‌سازی برای بین‌المللی‌شدن، ایجاد شبکه دانشگاهی بین دانشگاه‌های داخل کشور، ارتباط اساتید و دانشجویان داخل کشور با اساتید و دانشجویان در خارج از کشور، جذب دانشجویان در زمینه‌هایی که صاحب فکر هستیم، فراهم کردن ساختارهای لازم، تربیت نیروی انسانی، آموزش مدرسین مسلط به زبان بین‌المللی، مدرسینی که آشنا با علم روز باشند، سیاست‌گذاری برای ورود به عرصه بین‌المللی، توانمندسازی اساتید برای بین‌المللی شدن مانند توانایی برقراری ارتباط به زبان بین‌المللی به دفعات در محتوای مصاحبه‌ها تأکید شده است. ۲) برنامه درسی بین‌المللی: بین‌المللی شدن برنامه درسی به معنای در نظر گرفتن جنبه‌های بین‌المللی و بین فرهنگی در تهیه و ارائه برنامه درسی است (لیسک، ۲۰۰۹). در مطالعه حاضر این راهبرد از طریق کدهایی چون تهیه منابع درسی متناسب، برنامه‌های درسی به گونه‌ای باشد تا فارغ‌التحصیلان بتوانند به راحتی در بازار جهانی کار پیدا کنند، تطبیق دروس علوم انسانی و اجتماعی با آموزه‌های مذهبی

¹ Nilsson

² Jones

³ Leas

و ملی و استانداردهای بین‌المللی، بازنگری و بازنویسی در دروس علوم انسانی و اجتماعی، برنامه درسی به زبان بین‌المللی، برنامه درسی مطابق با استانداردهای بین‌المللی و ایجاد زمینه برای آموزش مهارت‌های بین فرهنگی از طریق برنامه درسی به دفعات در محتوای مصاحبه‌ها تأکید شده است. ۳) بین‌المللی‌شدن در خارج: راهبرد سوم در این پژوهش بین‌المللی‌شدن در خارج می‌باشد. این راهبرد از تحلیل مصاحبه‌ها و با کدهایی چون عرضه برنامه آموزشی به صورت مجازی، توسعه فضای دانشی و برند سازی در زمینه ادبیات و فلسفه، صدور دانش به خارج از مرزها، آموزش‌های از راه دور، صدور دانش خود به جهان در نظر گرفته شده است.

د) پیامدهای بین‌المللی‌شدن دانشگاه‌ها: محققان پیامدهای متفاوتی برای بین‌المللی‌شدن آموزش عالی ارائه داده‌اند. برخی از پیامدهای بین‌المللی‌شدن عبارت‌اند از: مهارت‌های ارتباطی بین فرهنگی (گرنزواوی و راینهارت، 2002)، آموزش شهروند جهانی (دوویت، 2002)، بهبود کیفیت علمی (نایت، 2006)، رقابت‌پذیری (ترمبلی، 2005)، ظرفیت برای اعمال استانداردها و شیوه‌های بین‌المللی (لیسک، 2004)، فرصت‌هایی برای جذب مغزها (نایت، 2006). همان‌طور که در مدل ترسیمی نیز مشاهده می‌شود، پیامدهای بین‌المللی‌شدن دانشگاه‌ها با توجه به ادبیات و مصاحبه با صاحب‌نظران پژوهش شامل معرفی دانش و تمدن ایرانی، افزایش صلح و تفاهم، افزایش امنیت ملی، آکادمیک دیپلماسی، افزایش اعتبار دانشگاه و برند سازی، رشد اقتصادی و افزایش توان رقابت‌پذیری، گسترش آگاهی و درک بین فرهنگی، افزایش تنوع و کیفیت آموزش، پژوهش و خدمات و توسعه شهروندی می‌باشد.

بر اساس یافته‌های این پژوهش چندین راهکار برای سیاست‌گذاری و اقدام در خصوص بین‌المللی‌شدن در حوزه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران ارائه می‌گردد:

۱. الگوی ارائه شده در این پژوهش می‌تواند به عنوان مبنایی برای شناسایی نیازهای مرتبط با بین‌المللی‌شدن دانشگاه و نیز مبنای تدوین برنامه‌ها و فعالیت‌های بین‌المللی‌شدن مورد استفاده قرار گیرد.
۲. پیشنهاد می‌شود کارگاه‌های آگاه‌سازی در زمینه بین‌المللی‌شدن دانشگاه جهت آگاه‌سازی دانشگاهیان برگزار گردد.

¹ Grünzweig & Rinehart

۳. پیشنهاد می‌گردد سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان آموزش عالی در زمینه حذف یا کاهش عوامل بازدارنده در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی- اجتماعی، علمی- آموزشی و سازمانی تمهیداتی بیاندیشند.
۴. پیشنهاد می‌شود از پیچیدگی‌های اداری و بوروکراتیک کاسته شود زیرا که تسهیل کردن راهکار مهمی در بین‌المللی‌شدن دانشگاه‌ها می‌باشد.
۵. به مدیران و متولیان دانشگاه پیشنهاد می‌شود با نظارت بیشتر بر فعالیت‌های دفتر همکاری‌های بین‌الملل دانشگاه راهبردهای بین‌المللی‌شدن را با جدیت و رسمیت بیشتری دنبال کنند و دانشجویان و اساتید بیشتر با این پدیده روبه‌رو شوند.
۶. پیشنهاد می‌شود که درعین حال که هویت خود را حفظ می‌کنیم، ابعاد بین‌المللی را نیز مورد توجه قرار دهیم به صورتی که توجه هم‌زمان به ابعاد ملی و بین‌المللی در برنامه درسی رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی داشته باشیم.

منابع:

- اسماعیل نیا، ندا و حسین پور، علیرضا (۱۳۹۴). *بین‌المللی‌شدن آموزش عالی و ارتقای کیفیت دانشگاهی در آموزش مهندسی*، کنگره بین‌المللی مدیریت، اقتصاد و توسعه کسب‌وکار، ایران: تبریز.
- خراسانی، اباصلت و زمانی منش، حامد (۱۳۹۱). *راهبردهای مؤثر در بین‌المللی‌شدن دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران، فصلنامه راهبردهای آموزش*، ۵(۳)، ۱۸۹-۱۸۳.
- خوسرندی طاسکوه، علی (۱۳۹۵). *آموزش عالی بین‌المللی؛ استراتژی‌ها و شرایط امکان*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- رزقی شیر سوار، هادی و پیراینده، پانته‌آ (۱۳۹۰). *ارزیابی آموزش عالی در فرایند جهانی‌شدن، مطالعه راهبردهای جهانی‌شدن*، ۲(۵)، ۳۸-۲۵.
- شرقی، عبدالعلی (۱۳۸۳). *ارتباطات بین‌المللی و توسعه علمی، در دایره‌المعارف آموزش عالی* (جلد اول، ۱۸۶-۱۸۹)، قورچیان، نادر قلی؛ آراسته، حمیدرضا؛ جعفری، پریش. تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.
- فاضلی، نعمت الهی (۱۳۸۴). *کدام معیار؟ بررسی‌ای انسان‌شناختی در زمینه تولید علم و چالش‌های علوم انسانی در ایران، علوم اجتماعی (دانشگاه علامه طباطبائی)*، ۳۰، ۱-۴۴.

فتحی واجارگاه، کوروش؛ زارع، عذرا و یمنی، محمد (۱۳۸۸). بررسی موانع بین‌المللی برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی از دیدگاه اعضای هیئت‌علمی (مورد دانشگاه شهید بهشتی)، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی*، ۵۴، ۶۳-۸۲.

- Altbach, P. G. (2002). Knowledge and education as international commodities: The collapse of the common good. *International Higher Education*, 28. pp. 2-5
- Atbakh, P. G. De wit, H. (2018). Are We Facing a Fundamental Challenge to Higher Education Internationalization?. *International Higher Education*, 93:2-4.
- Altbach, P. G., & Knight, J. (2007). The internationalization of higher education: Motivations and realities. *Journal of Studies in International Education*, 11(3-4), 290.
- Altbach, P., & Reisburg, L, & Rumbley, L. (2009). *Trends in global higher education: Tracking an academic revolution*. (A report prepared for the UNESCO 2009 world conference on higher education). Paris, France: United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization.
- Beck, K. (2012). Globalization/s: reproduction and resistance in the internationalization of higher education. *Canadian Journal of Education*, 35(3), pp.133-148.
- Beelen, J., & Jones, E. (2015). *Redefining internationalization at home*. In A. Curai, L. Matei, R. Pricopie, J. Salmi & P. Scott (Eds.), *The European higher education area: Between critical reflections and future policies* (pp. 67-80). Dordrecht: Springer
- Bordean, O. N., & Borza, A. (2013). Internationalization of Higher Education Institutions: the Case of Romania. *Journal of Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 92, 98 – 103
- Brandenburg, U., & de Wit, H. (2011). The end of internationalization. *International Higher Education*, Winter (62), 15-17.
- Brewer, E., & Leask, B. (2012). *Internationalization of the curriculum*. In D. Deardorff, H. de Wit, D. Heyl, & T. Adams (Eds.), *The Sage handbook of international higher education* (pp. 245-266). Thousand Oaks, CA: Sage. [CrossRefGoogle Scholar](#)
- Callan, H. (2000). Higher education internationalization strategies: Of marginal significance or all-pervasive?. *Higher Education in Europe*, 25(1), 15-23

- Childress, L. (2010). In Pinar W. (Ed.), *The twenty-first century university: Developing faculty engagement in internationalization* (32nd ed.). New York: Peter Land
- Currie, J. (2003). Understanding the impact of globalization on universities. *South African Journal of Higher Education*, 17, 16 - 23.
- Davies, J. L. (1992). *Developing a Strategy for Internationalization in Universities: Towards a Conceptual Framework*. In C. B. Klasek (ed.) *Bridges To The Future: Strategies For Internationalizing Higher Education*. Carbondale: Association of International Education Administrators.
- de Wit, H. (2002). In Altbach P. G. (Ed.), *Internationalization of higher education in the United States of America and Europe*. (1st ed.). Westport, CT: Greenwood Press.
- de Wit, H. (Ed.). (1995). *Strategies of internationalization of higher education*. (1st ed.). Amsterdam: European Association for International Education.
- de Wit, H., & Hunter, F (2015). The Future of Internationalization of Higher Education in Europe, *International Higher Education*, 83: 2-3.
- de Wit, H., Hunter, F., Howard, L., & Egron-Polak, E. (2015). *Internationalisation of higher education*. Brussels: European Parliament
- Egron-Polak, E. (2011). Monitoring internationalization of higher education. *International Higher Education*, Spring (63), 2-3.
- Enders, J. (2004). Higher education, internationalisation, and the nation-state: Recent developments and challenges to governance theory. *Higher Education*, 47(3), 361-382.
- Fielden, J. (2008). *The practice of internationalization: Managing international activities in UK universities*. UK Higher Education International Unit.
- Green, M. (2003). Internationalization the campus: A strategic approach. *International Educator*, 7(1), 13-26
- Green, M., & Olson, C. (2003). *Internationalizing the campus: A user's guide*. Washington DC: American Council on Education.
- Grünzweig, W., & Rinehart, N. (Eds.). (2002). *Rockin' in Red Square: Critical approaches to international education in the age of cyberculture*. Münster, Germany: LIT.

- Hawawini, G. (2011), *The Internationalization of Higher Education Institutions: A Critical Review and a Radical Proposal*, October, <http://ssrn.com/abstract=1954697>
- Jibeen, T. & Asad Khan, M. (2015). Internationalization of Higher Education: Potential Benefits and Costs, *International Journal of Evaluation and Research in Education* (IJERE), 4(4), 196-199.
- Khalid, J., Ali, A, J., Md. Islam, S., Khaleel, M., & Shu, Q, F. (2017). Internationalization as Investment for Higher Education Institutions: Introducing a Framework to Enhance Investment in Internalization practices. *Review of Social Sciences*, 02(02), 01-11
- Khorsandi taskoh, A. (2014). *A critical policy analysis of internationalization in postsecondary: An Ontario case study*. Unpublished PhD Thesis. The University of Western Ontario.
- Knight, J. (2001). Entrepreneurship and strategy in the international SEM. *Journal of international management*, 7(3), 71-155.
- Knight, J. (2011). Five myths about internationalization. *International Higher Education*, Winter (62), 14-15.
- Knight, J. (2012). Five truths about internationalization. *International Higher Education*, Fall (69), 4.
- Knight, J. (2006). *Internationalization: Concepts, complexities and challenges*. In J. Forest & P. Altbach (Eds.), *International handbook of higher education* (pp. 207-228). Dordrecht, Netherlands: Springer Academic Publishers.
- Knight, J. (1994). *Internationalization: Elements and checkpoints*. (CBIE Research Paper No. 7). Ottawa, Canada: Canadian Bureau for International Education.
- Knight, J. & De Wit, H. (Eds) (1997). *Internationalization of Higher Education in Asia Pacific Countries*. Amsterdam: European Association for International Education.
- Kuhn, M., Weidemann, D. (2010). *Internationalization of the social sciences: Introduction*. In: Kuhn M, Weidemann, D (eds.) *Internationalization of the Social Sciences: Asia – Latin*
- Le, F. (2016). The Internationalization of Higher Education In China: The Role Of Government, *Journal of International Education Research*, 12(1), 47-52.

- Leask, B. (2004). Internationalisation outcomes for all students using information and communication technologies (ICTs) [Electronic version]. *Journal of Studies in International Education*, 8, 336-351.
- Leask, B. (2009). Using formal and informal curricula to improve interactions between home and international students. *Journal of Studies in International Education*, 13(2), 205-221. [Cross RefGoogle Scholar](#)
- Manning, K. (2003). *Managing internationalisation in Australian University*. Working Paper Series. Melbourne: Victoria University
- Moriss, B. (2009). Internationalizing the University: Theory, Practice, Organization and Execution, *Journal of Emerging Knowledge on Emerging Markets*, 1(1), 143-151.
- Neave, Guy. (1992). *Institutional Management of Higher Education: Trends, Needs and Strategies for Cooperation, operation*, International Association of Universities (IAU) Document for UNESCO, unpublished
- Nilsson, B. (2009). Internationalisation at Home From a Swedish Perspective: The Case of Malmö, *Journal of Studies in International Education*, 7(1), 27-40
- OECD. (1996). *Internationalizing the curriculum in higher education*. Paris: Author.
- Porfirio, G. V. (2012). *Internationalization Strategies in Traditional Higher Educational Institutions Across The United States*, Doctoral Dissertation, Esteves School of Education The Sage Colleges
- Qiang, Z. (2003). Internationalisation of higher education: Towards a conceptual framework. *Policy Futures in Education*, 1(2), 248-270
- Popescu, F., & Marjon, E. (2017). Comprehensive Internationalization at HAN University of Applied Sciences. Collaboration and Partnerships, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, (237), 1513 – 1519
- Roga, R., Iopina, I., & mursepp, P. (2015). Internationalization of Higher Education: Analysis of Factors Influencing Foreign Students' Choice of Higher Education Institution, *Procedia- social and behavioral science*, (213), 925-930.
- Rudzki, R. (2000). Implementing internationalisation: The practical application of the fractal process model. *Journal of Studies in International Education*, 4, 69-90

- Rudzki, R. (1993). *The application of a strategic management model to the internationalisation of higher education institutions*, Newcastle, Newcastle Business School, unpublished
- Rumbley, L. (2007). *Internationalization in the universities of Spain: Opportunities, imperatives, and outcomes*. (Unpublished PhD). Boston College, Chestnut Hill, MA.
- Salmi, J. (2009). *The Challenge of Establishing World-Class Universities*. Washington, DC: The World Bank.
- Scott, P. (2000). Globalisation and Higher education: Challenges for the 21st century. *Journal of Studies in International Education*, 4, 3-10.
- Streitwieser, B. (2013). (Ed.). *Internationalization of Higher Education and Global Mobility*. Oxford: Symposium Books.
- Stromquist, N. P. (2007). Internationalization as a response to globalization: Radical shifts in university environments. Higher Education: *The International Journal of Higher Education and Educational Planning*, 53(1), 81–105.
- Teichler, U. (2004). The changing debate on internationalization of higher education. *Higher Education*, 48, 5-26.
- Tremblay, K. (2005). Academic mobility and immigration [Electronic version]. *Journal of Studies in International Education*, 9, 196-228.
- Van Dijk, H. and Meijer, K. (1997). The internationalization Cube: A tentative model for the study of organizational designs and the results of internationalization in higher education. *Higher Education Management*, 9(1): 157-167
- Van der Wende, M. (1997). *Missing Links: the relationship between national policies for internationalization and those for higher education in general*, in T. Kälve mark & M. van der Wende (Eds.) National Policies for the Internationalization of Higher Education in Europe. Stockholm: National Agency for Higher Education.
- van der Wende, M. (1996). *Internationalizing the curriculum in Dutch higher education: An international comparative perspective*. (Unpublished Ph.D.). Utrecht University, The Netherlands.
- Van der wende, M., & Kalvemark, T. (1997). *National Policies for the Internationalization of Higher Education in Europe*. Stockholm: National Agency for Higher Education.

- Wächter, B. (2003). An introduction: internationalization at home in context. *Journal of Studies in International Education*, 7(1), pp. 5-11.
- Wadhwa, R. (2016). New Phase of Internationalization of Higher Education and Institutional Change, *Higher Education for the Future*, 3(2) 227-246
- Webb, G. (2005). *Internationalization of curriculum: An institutional approach*. In J. Carroll & J. Ryan (Eds.), Teaching international students, improving learning for all. London: Routledge.
- Wilkins, S., & Rumbley, L, E. (2018). What an International Branch Campus Is, and Is Not: A Revised Definition, *International Higher Education*, 93:12-14.
- Yu, Z. (2010). *Impact of International Foundations on the Internationalization of Chinese Research Universities: A Case Study of Peking University and the Nippon Foundation Group*, Columbia University.